

## سوء قصد ۲۴ مه به جان تروتسکی

روزنامه‌های مکزیکی در روز اول ژوئن نامه‌ای را از جانب لئون تروتسکی انتشار دادند که خطاب به دادستان کل، رئیس پلیس فدرال و وزیر امور خارجه نوشته شده بود. با این نامه، تروتسکی موفق شد تا تمام کوشش‌های استالینیست‌ها را در امر (مداخله در) تحقیقات سوء قصد ۲۴ مه به جان‌ش را خنثی کند. در این نامه آمده است:

پیش از هر چیز، ضروری است که تصدیق شود که سوء قصد انجام شده، به تحریک کرملین و از سوی "GPU" (دفتر سیاسی دولت) در خارج بوده است. در سال‌های اخیر، استالین صدها تن از دوستان واقعی من و یا کسانی را که تصور می‌کرد دوست من باشند، کشته است. او عملاً تمام خانواده من را به جز خودم، همسرم و یکی از نوه‌هایم، نابود کرده است. مأموران استالین در خارج از کشور یکی از رهبران قدیمی GPU را به نام "Ignace Reiss" که علناً خود را در شمار پارتیزان‌های من اعلام داشته بود، به قتل رساندند که به وسیله‌ی پلیس فرانسه و دادگاه سوئیس تصدیق شده است. همان مأمورانی که او را کشتند، در پاریس در تعقیب پسر من بوده‌اند. در شب ۷ نوامبر ۱۹۳۶، مأموران استالین به انستیتوی علمی پاریس دستبرد زده و بخشی از آرشیو من را ربودند. دو تن از منشی‌های من، «اروین وولف» در اسپانیا و «رودالف کلیمت» در پاریس به دستور GPU به قتل رسیدند. تمام دادگاه‌های نمایشی بین سال‌های ۱۹۳۶-۳۷ برای گرفتار کردن من در چنگال GPU برگزار گردید.

با بیان این مطلب، هدف من رد امکان سهم بودن گشتاپو هیتلر در این سوء قصد نیست. تا اندازه ای، GPU و گشتاپو به هم ارتباط دارند؛ این امکان و این احتمال وجود دارد که در موارد خاص، همان مأموران در خدمت هر دو قرار بگیرند. نمایندگان معتبری از حکومت آلمان، علناً نشان داده‌اند که مرا دشمن خطرناکی بشمار می‌آوردند. این امکان کاملاً وجود دارد که این دو نیروهای پلیس در این حمله با هم همکاری کرده باشند.

## GPU چگونه سازماندهی می‌شود

طرح توطئه‌های عمومی از طرف سازمان GPU در خارج از کشور به قرار زیر است: در کمیته‌ی مرکزی هر دایره کمیترین، یک مدیر مسئول از طرف GPU برای هر کشوری تعیین می‌شود. وضعیت و اطلاعات او را تنها دبیر حزب می‌داند و شاید یکی یا دو نفر از اعضای قابل اعتماد او. اعضای دیگر کمیته‌ی مرکزی، آگاهی ناچیزی از وضعیت خاص این عضو دارند.

به عنوان عضو کمیته‌ی مرکزی، نماینده‌ی GPU کشور، قانوناً این حق را دارد که وضعیت اعضای حزب را بررسی کرده و در باره‌ی خصوصیات آنان تحقیق نماید، سپس به آن‌ها مأموریت داده و کم کم با تحریک حس وفاداری آن‌ها نسبت به حزب و نیز رشوه‌دهی، آنان را به کار جاسوسی و تروریزم بکشاند.

کل این مکانیزم در فرانسه و سوئیس، در پی قتل «رایس» (Reiss) بعد هم اقداماتی که علیه پسر متوفی من و افراد دیگر انجام گرفت، کشف شد. در باره‌ی ایالات متحده [باید بگویم که] «کریویتسکی» تصدیق کرد که خواهر

دبیر کل حزب «برودر» به توصیه برادرش مأمور GPU شد. این نمونه، [وجود] مقررات را به اثبات می‌رساند، نه یک مورد استثنایی را. مأموران GPU زمانی که برای انجام وظیفه‌ی مشخصی وارد کشوری می‌شوند، همیشه از طریق رئیس GPU در آن محل وارد عمل می‌گردند که همان عضو نامبرده در کمیته‌ی مرکزی حزب کمونیست می‌باشد؛ بدون چنین [فردی] آن‌ها نمی‌توانند خود را در موقعیت محلی جا انداخته و مأموران اجرایی مورد نیاز خود را انتخاب کنند. مأمور سری از خارج و محلی و دستیاران مورد اعتماد آن‌ها طرح عمومی را ریخته و لیست اسامی همدستان احتمالی را بررسی کرده و آنان را مرحله به مرحله جذب نقشه توطئه آمیز خود می‌کنند.

من هیچگونه اطلاعاتی در باره‌ی نقش حقیقی گروه‌بان «کاساس» و پنج مأمور پلیس زیردست او که جلوی خانه‌ی من نگهبانی می‌دادند، ندارم؛ تنها چیزی که می‌دانم این است که آن‌ها دستگیر شده‌اند. در اینکه آن‌ها در این توطئه نقشی نداشته باشند، نمی‌توان مطمئن بود؛ هیچ نهادی به اندازه‌ی GPU در قانع کردن، در تهدید و اجبار کردن و رشوه‌دهی امکانات ندارد. آن‌ها به‌طور سیستماتیک می‌توانسته‌اند به پلیس تلقین کنند که من دشمن مردم مکزیک هستم؛ به آن‌ها قول رتبه و مقام داده و نهایتاً پول هنگفتی برای همکاری پلیس پرداخت کرده باشند. البته مأموران خارجی نمی‌توانستند به پلیس مکزیک [در این باره] نزدیک شوند، برای این کار به مأموران داخلی نیاز بود.

## ساختن آذهان عمومی بوسیله‌ی مأموران استالینست

GPU برای انجام یک عمل تروریستی به طور ویژه نگران مسأله‌ی آماده کردن آذهان عمومی است، بخصوص زمانی که قربانی مورد نظر در سطح ملی و بین‌المللی شناخته شده باشد. از اینرو، این مسئولیت همیشه به عهده‌ی مطبوعات، سخنرانان استالینیستی و به اصطلاح «دوستان اتحاد جماهیر» گذاشته می‌شود. به نظر من می‌رسد که تحقیقات قضایی از این نقطه نظر مجبور می‌شود که کار روزنامه‌ها [یی مانند] «ال پوپولار»، «لا وُز د مکزیکو» و برخی همدستان «ال ناسیونال» را دنبال کند. [در اینجا] منظور من انتقاد از عقاید من نیست، زیرا چنین انتقادی هر چند هم شدید باشد، ابتدایی‌ترین حق دموکراتیک هر فردی است. اما «لا وُز د مکزیکو» و «ال پوپولار» هرگز خود را درگیر چنین انتقاداتی نکرده‌اند.

من اما به خاطر دارم که آن‌ها بارها مرا متهم به داشتن ارتباط با جریانات ارتجاعی در مکزیک و خارج از آن کرده‌اند؛ در یکی از این سخنرانی‌ها «تولدانو» اعلام کرد که من در حال سازماندهی یک اعتصاب عمومی علیه حکومت «کاردیناس» می‌باشم؛ در روزنامه «ال ماشته» و پس از آن در «ال وُز د مکزیکو»، آن‌ها هر یکشنبه مرا متهم به سازماندهی انقلابی با همکاری تیمسار «سدیللو» و ضدانقلابیونی حقیقی یا غیرحقیقی دیگری کرده‌اند؛ آن‌ها داشتن جلسات مخفی بین من و شخصی به نام دکتر «آتی» را به تصویر کشیده‌اند که با فاشیست‌های آلمانی در مکزیک همکاری دارد و... اخیراً «فوتورو»، «ال پوپولار» و نیز «لا وُز د مکزیکو»، به طور سیستماتیک تکرار کرده‌اند که من در ارتباط سری با «دیزن» نماینده‌ی

ارتجاعی کنگره‌ی آمریکا بوده و اطلاعاتی را علیه مکزیک به او داده ام. به آسانی می‌توان دید که تمام این تهمت‌ها کاملاً بی‌معنا بوده و اعمالی را به من نسبت می‌دهند که متضاد تمام عقاید و کار من در زندگی بوده است. همزمان، این تهمت‌ها علیه منافع فوری من نیز می‌باشد، زیرا من می‌باید تمام دلایل خود را نسبت به مهمان نوازی سخاوتمندانه حکومت مکزیک در پذیرفتن من به این کشور، به طور کلی کنار گذاشته و با ارتکاب به این اعمال، ناسپاسی خود را نشان داده باشم.

لازم به یادآوری است که من بارها از طریق مطبوعات، از کسانی که اینگونه اتهامات را به من می‌زنند، خواسته‌ام تا این موارد را تحویل کمیسیون بی‌طرفی بدهند که از طرف حکومت مکزیک یا حزب (حکومتی) انقلاب مکزیک تعیین شده تا در آنجا این تهمت‌ها مورد تحقیق و بررسی قرار گیرد. «تولدانو» و رؤسای حزب کمونیست همیشه به اندازه‌ی کافی هشیار بوده‌اند تا این پیشنهاد مرا نپذیرند.

با بیان این مطلب، قصد من این نیست که بگویم «تولدانو» و رؤسای حزب کمونیست مستقیماً در این سوء قصد دست داشتند. GPU تقسیم کار دقیقی دارد. افراد شناخته شده مسئولیت انجام تبلیغات تهمت‌آمیز را نسبت به من دارند. افرادی که به خوبی شناخته شده نیستند و مسئولیت کارهای جدی‌تری را دارند، مأمور انجام سوء قصد به جان من می‌شوند. معذالک، آقای «تولدانو» یک نوجوان نیست. او کاملاً با روش کار GPU آشنا است به ویژه با آزار و اذیت سیستماتیک من، اعضای خانواده و دوستان من توسط GPU در سطح جهانی در گذشته و حال آشنایی دارد. این حقیقت بر «تولدانو» پنهان نیست که GPU در پی ریشه کن کردن فیزیکی من است. لذا من پا از گلیم

خودم فراتر نگذاشته ام وقتی می گویم که آقای «تولدانو» با مشغول کردن سیستماتیکی خود در پخش تبلیغات سمی بر ضد من، در واقع در این عمل تروریستی شرکت اخلاقی داشته است. نتیجتاً «تولدانو» به عنوان شاهد در این تحقیقات می باید از اهمیت بالایی برخوردار باشد.

من کوچکترین شکی ندارم که رؤسای گذشته و حال حزب کمونیست می دانند چه کسی رئیس GPU در اینجا است. به من همچنین اجازه بدهید تا این فرض را هم بکنم که «داوید آلفارو سیکوئروس» که در جنگ داخلی اسپانیا به عنوان یک استالینیست شرکت کرده، ممکن است بداند که چه کسانی مهم ترین و فعال ترین اعضای GPU اسپانیایی، مکزیکی یا هر ملیت دیگر هستند، که در زمان های مختلف، به ویژه از پاریس وارد مکزیک می شوند. بازجویی از دبیرکل سابق و فعلی حزب کمونیست و نیز بازجویی از «سیکوئروس» می تواند کمک بزرگی به روشن شدن ماهیت عاملین اصلی این سوء قصد کرده و از آنجا می توان عناصر اصلی پیاده کردن این نقشه را کشف کرد.

لئون تروتسکی

ژوئن ۱۹۴۰

**مترجم: سارا قاضی**

بازنویس: یاشار آذری

آدرس اینترنتی کتابخانه: <http://www.nashr.de>

ایمیل یاشار آذری: [yasharazarri@gmail.com](mailto:yasharazarri@gmail.com)

مسئول نشر کارگری سوسیالیستی: یاشار آذری

تاریخ بازنویسی: ۱۳۹۶